

تصویر اعراب در ذهنیت ترکان

الدكتور ابراهيم الداوقی، صورة العرب لدى الاتراك. بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربية، ۱۹۹۶، ۲۸۱ صفحه .

دارالخلافة اسلامی بود و نیز به رغم حقایق انکار ناپذیر جغرافیایی همچون مجاورت سرزمینی و وحدت منابع طبیعی بویژه منابع آبی و ارتباط انسانی منبعت از وحدت جغرافیایی، تصویر نقش بسته از اعراب و ترکها نزدیکدیگری از مصادیق معدود ذهنیتهای غیر مثبتی است که ملل همسایه از همدیگر ترسیم می نمایند.

بدیهی است که وقایع تاریخی در تشکیل ذهنیتهای ملتها نسبت به یکدیگر، نقش اساسی را ایفا می کند و موضوع بحث نیز از این واقعیت مستثنی نیست. دکتر ابراهیم داوقی که در منطقه گردنشین عراق (شهر کرکوک) متولد شده است دکترای «حقوق مطبوعات» خود را از دانشگاه آنکارا اخذ نموده و چند سال به عنوان وابسته مطبوعاتی سفارت عراق در ترکیه فعالیت داشته است، در اشاره ای به مهمترین وقایع تاریخی شکل دهنده به ذهنیت ترکها نسبت به اعراب از این نکته سخن می گوید که اعراب از دیدگاه ترکان متهم هستند که در جریان جنگ جهانی اول با خنجر زدن از پشت به ترکها، موجبات انقراض امپراطوری عثمانی را فراهم ساختند و ترکها

اگرچه در عرف متداول روابط بین الملل، از تاریخ و جغرافیا به عنوان مشترکات و عناصر مثبت در تحکیم مناسبات بین ملتها یاد می شود؛ اما در بررسی روابط میان ملل مجاور، چه بسا با حساسیتهای کینه ها و ذهنیتهای منفی مواجه می شویم که از بطن تاریخ مشترک همان ملل نشأت گرفته و حتی وحدت اقلیمی (جغرافیایی) و سایر مشترکات روحی و مصلحتی، قادر به زدودن آن رسوبات منفی و تصویرهای نامناسبی که هریک از ملتها نسبت به ملت همسایه خود در مخیله خویش انباشته اند، نبوده است.

شاید با قدری احتیاط بتوان گفت که اعراب و ترکها علی رغم بیش از هزار سال تاریخ اسلامی مشترک که طی چند قرن آن استانبول (پایتخت امپراطوری عثمانی)

نمی‌توانند این واقعه را فراموش کنند. تا ۲۵ درصد از مطبوعات ترکیه، همه رهبران

نویسنده در طرح نظریه خود، از توجه به عناصر جدید نیز غافل نبوده و در این مجال از اثربخشی افکار عمومی ترکیه از رسانه‌های غربی و تبلیغات منفی آنها عیب اعراب که عمدتاً از محافل صهیونیستی نشأت می‌گیرد، سخن گفته بر تأثیرات سینما و تلویزیون تأکید داشته است. به عقیده نویسنده عقده تاریخی ترکها نسبت

به اعراب (که متهم به خنجر زدن شده‌اند) با افزوده شدن دو خصوصیت «عقب ماندگی» و «تروریسم» که رسانه‌های غربی برای اعراب تدارک دیده‌اند و اینکه اعراب عقب مانده (از دیدگاه غرب) می‌خواهند با تروریسم «تنها قلعه تمدن و پیشرفت در خاورمیانه، یعنی اسرائیل را نابود کنند»، تصویر ناهنجاری از اعراب در ذهن روشنفکران غرب زده ترک ساخته بود.

اگرچه برداشتهای ترکها از اعراب با مرور زمان و رونق بیش از پیش تفکرات اسلامی در میان جوانان ترک و در نتیجه

درک واقعیت‌هایی از ماهیت غرب و جنبش صهیونیستی دست‌نشانده آن، تا حد زیادی تعدیل شده است، اما هنوز بین ۲۲/۵

داقوقی اساس کار خود را بر تحلیل محتوای ده نشریه بزرگ ترکیه (پرتیراژترین مطبوعات) در مدت سه ماه (از نیمه نوامبر ۱۹۹۳ تا نیمه فوریه ۱۹۹۴) در باره اعراب قرار داده است. این ده نشریه به دو مجموعه موافق و مخالف اعراب و احیاناً مسایل دنیای اسلام تقسیم می‌شوند.

کتاب شامل مقدمه، شش فصل و بخش ضمایم است که نمونه‌هایی از بریده‌های مطبوعات ترکیه و کتابهای درسی آن کشور راجع به اعراب، بخش ضمایم را تشکیل می‌دهد.

در فصل اول از تاریخ روابط غربی-ترک از هنگام رسیدن فتوحات اسلامی به سرزمین‌های ماوراءالنهر، به عنوان دوره

شکوفایی همکاری و تکامل فکری و فرهنگی اعراب و ترکها سخن رفته است.

ترکان که از قرن نهم میلادی پس از گرایش به اسلام رسم الخط عربی را برای نوشتن کلمات ترکی به کار بسته بودند، در سال ۱۹۲۸ میلادی به دستور آتاتورک حروف لاتین را برای نوشتن زبان خود به کار گرفتند و یکی از جنجال‌های شدید ترکها در آن زمان طرح نظریه «خورشید» بود که به موجب آن زبان ترکی به مثابه خورشید (یعنی کانون مرکزی منظومه شرق) تلقی می‌شد و همه زبانهای دیگر از جمله زبان عربی اقرار آن به شمار می‌رفتند.

نویسنده از دوران سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۶۵ به عنوان دوران رکود و تیرگی روابط ترکی-عربی یاد می‌کند و سال ۱۹۴۸ را که طی آن ترکیه موجودیت صهیونیستی را در سرزمین فلسطین به رسمیت شناخت، اوج تیرگی روابط مورد بحث قلمداد نموده است. این تیرگی روابط در سال ۱۹۵۲ با ورود ترکیه به پیمانهای نظامی غرب از جمله ناتو و بعد از آن پیمان‌های بغداد و سنتو، به بالاترین حد خود رسید. اما در سال ۱۹۶۵

که یونانیهای قبرس تعداد زیادی از ترکهای جزیره را قتل عام کردند و غرب از ترکیه جانبداری ننمود، ترکیه به سوی شوروی متمایل شد و به دنبال این تمایل، گرایشهای ترکیه به خاورمیانه عربی نیز فزونی یافت. در نتیجه این تحولات، تحرکی در بهبود مناسبات عربی-ترکی آغاز گردید که یکی از شاخص‌های آن تأسیس چندین مرکز مطالعات عربی و ترکی در جهان عرب و ترکیه بود.

در فصل دوم از عناصر تکوینی چهره منفی اعراب در افکار عمومی ترک سخن رفته که این عناصر در تعصبات نژادی و اعتقادات مذهبی خلاصه شده است. نویسنده در بیان تعصبات نژادی گفته است که اگرچه ناسیونالیسم‌ها ترکی و عربی از ناسیونالیسم ضددینی قرن نوزدهمی اروپا نشأت گرفته‌اند، اما به صورت دو نقیض در مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

ناسیونالیستهای ترک می‌گویند اعراب در جنگ جهانی اول با دشمنان امپراطوری عثمانی همدست شده و باعث شکست آن شدند و امروزه که سوریه و فلسطینی‌ها با مخالفان حکومت ترکیه

همراهی می کنند، این خنجر زدن به ترکیه توسط اعراب همچنان ادامه دارد.

کتابهای درسی ترکیه ضمن دربرداشتن این نظرات نسبت به اعراب، شدیداً تحت تأثیر افکار استشراقی و تبشیری جنبش صهیونیستی مستقر در غرب قرار گرفته و با نیات واضحی افکار ضداسلامی و ضدعربی را ترویج می کنند. چون هدف غرب، به اعتقاد نویسنده کتاب، ریشه کن سازی اسلام در ترکیه است.

در فصل دوم همچنین اشاره می کند که غربیها به این دلیل از لائیسسم آتاتورک حمایت کردند که ضداسلام و علیه وحدت و همبستگی اسلامی بود؛ همچنان که غرب پیدایش نظامهای غیر دموکراتیک در جهان عرب را که از امپراطوری عثمانی جدا شده بودند، مورد تأیید قرار داد. چون نتیجه همه فعل و انفعالات آن دوره جلوگیری از تحقق همبستگی عربی-اسلامی بود که با مطامع غرب در منطقه تعارض داشت.

در فصل سوم، نویسنده به بررسی عوامل ثابت و متغیر در شاخص های فرهنگی و تمدنی عربی و ترکیه پرداخته و ضمن جستجوی سیمای عربی در کتابهای درسی

ترکیها به این جمع بندی رسیده است که سیمای اعراب در کتابهای درسی ترکان آن قدر تیره و تار نیست که نتوان آن را اصلاح نمود و چندان درخشان هم نیست که موجبات خوشوقتی را فراهم کند.

نویسنده در بیان علل وضعیت مزبور گفته است: فتوحات اولیه مسلمانان در سرزمینهای غیر عرب، تسلط غلامان ترک بر خلافت عباسیان (تا سقوط بغداد به دست مغولها)، پیدایش امپراطوری عثمانی در قرون جدید و بسط سلطه آن بر همه سرزمینهای عرب، حالتی از نفرت جمعی نزد طرفین نسبت به یکدیگر ایجاد کرده که در ضرب المثلها و لطیفه ها نیز منعکس شده است.

ترکیها بنا ندارند عدم همکاری اعراب با امپراطوری عثمانی را در جنگ جهانی اول فراموش کنند و آن واقعه را حتی با اصول عقیدتی اسلام غیرسازگار می بینند، زیرا به نظر آنها (ترکیها)، اعراب وظیفه شرعی «جهاد» را نادیده گرفته و به خلافت عثمانی، خود خلافت که یک تأسیس عربی-اسلامی است، پشت کردند. اما به عقیده نویسنده، اعراب در سال ۱۹۱۶ در واقع علیه

استبداد حکومت حزب اتحاد و ترقی (امپراطوری عثمانی) قیام کردند و نه علیه خلافت اسلامی، همان طور که اتاتورک نیز علیه استبداد مزبور قیام نمود.

نویسنده در پایان این فصل به نکته مهمی اشاره می کند و آن اینکه کتابهای درسی ترکیه زیر نظر وزارت معارف تألیف می شود و از این جهت موضعگیریهای آنها جنبه رسمی پیدا می کند.

در فصل چهارم نمونه هایی از مطبوعات ترکیه که مطالبی پیرامون اعراب منتشر کرده اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل محورهای اساسی توجه مطبوعات ترکیه به شرح زیر قید شده است:

- امنیت ملی و مقابله شدید با خطرات

تجزیه طلبی

- مشکلات جغرافیای طبیعی (مرزها و

منابع آبی)

- مسائل اقلیتها

اغلب مطبوعات ترکیه با عنایت به محور اول، ضمن متهم نمودن سوریه به حمایت از حزب کارگران گرد و پیگیری اندیشه «تأسیس سوریه بزرگ» که جنوب ترکیه را در بر می گیرد، دمشق و

حکومت آن را به باد انتقاد می گیرند. در همین نکته اغلب مطبوعات لائیک ترکیه بویژه دست راستی های غربگرا از رژیم صهیونیستی نیز جانبداری می کنند و اعراب را تروریست می دانند.

نویسنده با بررسی دو نشریه بزرگ ترکیه طی سه ماه (از نوامبر ۱۹۹۳ تا فوریه ۱۹۹۴) اشاره می کند که این نشریات یکصد و پانزده مقاله و تحلیل پیرامون مسایل عربی منتشر کردند که در آنها ۱۶۰ بار از کشورهای عرب و رهبران آنها با صفات نکوهیده یاد شده و تنها ۵۲ مورد صفات پسندیده به کار رفته است که این موضوع نشان دهنده نسبت ۷۰ درصدی صفات ناپسند می باشد.

از ده نشریه بزرگ ترکیه که در فصل چهارم مورد بررسی قرار گرفته اند، سه نشریه قومی اسلامی و دو نشریه دست چپی از اعراب تعریف کرده و به موجودیت صهیونیستی حمله نموده اند در حالی که پنج نشریه لائیک دست راستی که سه تای آنها پرتیراژترین مطبوعات ترکیه هستند، از اسرائیل تمجید کرده و اعراب را مورد نکوهش قرار داده اند که به نظر نویسنده،

علت اتخاذ این رویه، پیروی از رسانه‌های غربی بوده است.

در همین فصل همچنین آمده است که غرب، ترکیه را خط مقدم رویارویی با بنیادگرایی اسلامی که وحشت اروپا را برانگیخته است، قلمداد می‌کند. در همین زمینه نویسنده کتاب از مارگارت تاچر نقل کرده است که: «اوزال از ترکیه دولت نیرومندی ساخت که همچون سپری در مقابل بنیادگرایی اسلامی و ناسیونالیسم عرب ایستاده است.»

نویسنده با اشاره به یک واقعیت اظهار می‌دارد که ۹۹ درصد جمعیت ترکیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند و فرهنگ و تمدن هزارساله ترکیه حکایت از هویت اسلامی این کشور دارد. به همین جهت اروپا تاکنون ترکیه را به عضویت اتحادیه خود نپذیرفته است.

فصل پنجم کتاب به نظر خواهی از اقشار مختلف جامعه ترکیه راجع به اعراب و روابط ترکی-عربی و همین طور نظرات آنها پیرامون محتویات کتابهای درسی ترکیه در مورد اعراب اختصاص یافته است.

این نظر خواهی نشان می‌دهد که

کتابهای درسی مقطع دبیرستان، اساس تفکرات منفی ترکها را نسبت به اعراب تشکیل می‌دهد و دبیران تاریخ بیشترین اثر را بر افکار عمومی جوانان گذاشته‌اند.

ترکان، اعراب را متهم می‌کنند که از اسلام به نفع ناسیونالیسم افراطی (شوونیستی) خود بهره برداری کرده‌اند و اصولاً اعراب از قرن هشتم هجری ترکها را دشمن خود می‌دانند به نحوی که این مطلب در کتابهای مرجع تاریخی مثل کتابهای یاقوت حموی و ابن بطوطه نیز آمده است.

نویسنده در ادامه فصل پنجم به تحول جدیدی اشاره می‌کند و آن اینکه ترکها در چند سال اخیر بویژه بعد از بحران کویت متوجه شده‌اند که غرب با حمایت از گردهای شمال عراق، علیه امنیت ترکیه و تمامیت ارضی آن توطئه می‌کند. به همین سبب افکار عمومی ترکیه نسبت به اعراب بهبود نسبی یافته و اکنون طبق نظر خواهی منعکس شده در فصل پنجم کتاب تنها ۲۵ درصد از افراد مورد سؤال نظر منفی نسبت به اعراب ابراز داشته‌اند.

در فصل ششم کتاب، نویسنده قبل از طرح پیشنهادهایی جهت اصلاح تصویر

- اعراب در افکار عمومی ترکها می گوید: مشخص خواهد شد.
- مشکل اصلی ترکیه نامشخص بودن هویت
 این کشور است، به این معنی که برخی از
 روشنفکران غربزده ترک می خواهند میهن
 آنها جزئی از اروپا شناخته شود، در حالی که
 جمعیت ۹۹ درصدی مسلمان ترکیه، هویت
 اسلامی این کشور را خواستارند. در نتیجه
 تضاد این دو فکر، ترکیه ضمن عضویت در ناتو
 و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا، عضو
 سازمان کنفرانس اسلامی است و در همان
 حال با نگرش به جمهوریهای آسیای مرکزی
 به دنبال پان ترکیسم است. برخی از
 صاحب نظران، هویت ترکیه را سه گانه (لائیک
 - ناسیونالیستی - اسلامی) توصیف
 کرده اند. نویسنده پیشنهادهایی برای
 بهسازی چهره اعراب در اذهان ترکان به این
 شرح ارائه می دهد:
- اصلاح محتوای کتابهای درسی
 - بویژه تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی و
 اقتصاد. این اصلاح باید با تجدید نظر در
 عبارتهایی که اعراب را به صورت جماعتی
 خیانتکار که از پشت به ترکها خنجر زده اند،
 نشان می دهد، عملی شود و نحوه اجرای آن
 نیز توسط کمیته مشترک ترکی - عربی
 - برگزاری گردهمایی های مشترک
 - بویژه در امور فرهنگی و مسائل مربوط به
 تاریخ تمدن.
 - مبادله بورسیه های تحصیلی.
 - تشکیل کمیته ای جهت بررسی
 اسناد دوره عثمانی.
 - تشکیل کمیته ای برای ترجمه
 کتابهای مرجع از زبانهای ترکی به
 عربی و از عربی به ترکی.
 - تبادل فیلمهای مستند تلویزیونی
 به منظور تقویت تفاهم ملتهای عرب
 و ترک.
 - اصلاح وضعیت مطبوعات با حذف
 عناصر ترسیم کننده چهره منفی از
 هر یک از طرفین برای طرف دوم.
 - تأسیس کمیته ای مشترک از اعضای
 اتحادیه های روزنامه نگاران ترک و
 عرب.
 - مبادله مقالات مطبوعاتی میان
 نویسندگان ترک و عرب.
 - انتشار نشریات به زبانهای عربی و
 ترکی در ترکیه و کشورهای عرب.
 - افزایش دید و بازدیدهای صاحبان